موضوع: درباره امام موسی بن جعفر (علیه السلام)

درباره امام موسی بن جعفر (علیه السلام)

روز شهادت امام کاظم (ع) است. ایشان در هفتم ماه صفر سال 128 هجری در مکانی به نام ابواء (ما بین مکه و مدینه) به دنیا آمدند، و در 25 رجب سال 183 هجری در بغداد و زندان سندی بن شاهک ملعون به شهادت رسیدند. عمر مبارک آن حضرت 55 سال و مدت امامت ایشان 35 سال بود.

مراحل زندگی ایشان را می توان به چند دوره تقسیم کرد:

1. بیست سالی که در مدت حیات پدر بزرگوار خویش زندگی می کردند.

2. از شهادت امام صادق (ع) تا زمامداری هارون الرشید. در این مدت، 10 سال منصور دوانقی (م 158) حکومت کرد. سپس مهدی عباسی 10 سال حکومت کرد و بعد او هادی عباسی به مدت یک سال حکومت کرد.

3. دوران حکومت هارون الرشید. در این دوران خیلی به امام سخت گذشت، زیرا هارون، آن حضرت را در زندان های مختلف زندانی کرد. اما در عین حال امام با همه این شرایط سخت، مسئولیت امامت را عهده دار بودند و نقش هدایت گری و حفاظت از معارف و احکام اسلامی و دفاع از شیعیان را مدیریت می فرموند. تا سرانجام به دستور هارون الرشید و به دست سندی بن شاهک به شهادت می رسد.

سخن برخی عالمان اهل سنت درباره امام کاظم (ع)

1. خطیب بغدادی می گوید: «و كان موسى بن جعفر بن محمد بن علي و هو موسى الكاظم كريما حليما، إذا بلغه عن رجل أنه يؤذيه بعث إليه بمال، و قد يبعث إليه بصرة فيها ألف دينار، و كان يصر الصرر ثلاث مائة دينار، و أربع مائة دينار، و مائتي دينار ثم يقسمها بالمدينة ... »[[1]](#footnote-1): موسی بن جعفر (ع) فردی سخاوت مند و بردبار بود. گاه فردی او را اذیت می کرد اما ایشان مالی برای ایشان می فرستاد که هزار دینار بود. این کیسه های دینار گاه 300 دینار، 400 دینار و 200 دینار بود. این بخشش های امام (ع) به قدری بود که آن فرد را بی نیاز می ساخت.

2. کمال الدین بن طلحه شافعی می گوید: «أبو الحسن موسى بن جعفر الكاظم هو الإمام الكبير القدر العظيم الشّأن المجتهد الجاد في الاجتهاد، المشهور بالعبادة، المواظب على الطاعات، المشهور بالكرامات، يبيت الليل ساجدا و قائما و يقطع النهار متصدّقا و صائما، و لفرط حلمه و تجاوزه عن المعتدين عليه دعى كاظما كان يجازى المسي‏ء بإحسانه و يقابل الجاني بعفوه عنه، و لكثرة عبادته كان يسمّى بالعبد الصالح و يعرف في العراق بباب الحوائج إلى اللّه لنجح مطالب المتوسلين إلى اللّه تعالى به، كراماته تحار منها العقول و تقضي بأنّ له عند اللّه قدم صدق لا تزلّ و لا تزول»[[2]](#footnote-2): امام کاظم (ع) امام و پیشوایی بود که دارای مقام و شان بزرگی بود. وی در عبادت بسیار تلاش می کرد و شهره کرامت و بخشش بود. شب را در حال سجده و قیام می گذراند و روز را در حالی که صدقه می داد و روزه دار بود طی می کرد. به خاطر اینکه حلم زیادی که ایشان داشت و از کسانی که به او تعدی می کردند می گذشت، ایشان را «کاظم» نامیده اند. ایشان در مقابل کسانی که به وی بدی می کرد، نیکی کرده و آنها را می بخشید. آن حضرت به خاطر عبادت فراوانش به عبد صالح شهرت داشت و در عراق به باب الحوائج معروف است، زیرا کسانی که به ایشان توسل می جستند، خواسته هایشان برآورده می شود. کرامات ایشان به حدی که عقل ها در شناخت ایشان حیران است.

3. ذهبی در میزان الاعتدال می گوید: موسی بن جعفر (ع) از اجود حکما و بندگان پرهیزکار خداوند بود و برای او زیارتگاهی در بغداد است که معروف است.

4. عبدالمومن الشبلنجی می گوید: امام کاظم (ع) عابدترین، داناترین و کریم ترین اهل زمانش بود. او فقرا و نیازمندان مدینه را تفقد می کرد و شب هنگام درهم و دینار را برای آنها حمل می کرد، اما آنها نمی دانستند که چه کسی این کمک ها را به آنها می کند. ایشان در بسیاری موارد این دعا را می فرمودند: «اللهم انی اسئلک الراحه عند الموت و العفو عند الحساب».[[3]](#footnote-3)

5. محمد خواجه بخاری می گوید: «و من أئمّة أهل البيت أبو الحسن موسى الكاظم بن جعفر الصادق رضي اللّه عنهما أمّه جارية اسمها حميدة و كان رضي اللّه عنه صالحا عابدا جوادا كريما حليما كبير القدر كثير العلم كان يدعى بالعبد الصالح‏ و في كلّ يوم يسجد للّه سجدة طويلة بعد ارتفاع الشمس إلى الزوال....»: یکی از امامان اهل بیت (ع)، اباالحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) است. ایشان انسانی صالح، بردبار، بزرگوار و دارای علم فراوان بود. ایشان در روز سجده های طولانی می نمود که گاه نا هنگام ظهر طول می کشید. مردی که حضرت را آزار می داد، کیسه ای برای او فرستاد که هزار دینار در آن بود. مهدی عباسی امام را از مدینه به بغداد آورد و زندانی کرد، اما در خواب حضرت امیرالمومنین (ع) را دید که به او فرمود: آیا قطع رحم کرده و فساد در زمین انجام می دهی؟ این امر باعث شد امام را به مدینه برگرداند.[[4]](#footnote-4)

5. ابو حنيفه گويد: « دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَرَأَيْتُ ابْنَهُ مُوسَى فِي دِهْلِيزِهِ قَاعِداً فِي مَكْتَبِهِ وَ هُوَ صَغِيرُ السِّنِّ فَقُلْتُ أَيْنَ يَضَعُ الْغَرِيب... ‏»: من وارد مدينه شدم و نزد حضرت صادق عليه السّلام رفتم، پس از اينكه سلام كردم و از منزلش بيرون شدم، پسرش موسى را ديدم كه در دهليز خانه در مكتب خود نشسته و هنوز كودك بود، گفتم: مرد غريب هنگامى كه نزد شما باشد در كجا قضاى حاجت ميكند؟ وى بمن نگريست و سپس گفت: از ميان آبها و زير درختان ميوه‏دار، و پشت ديوار خانه‏ها، و راههاى كاروان رو، و مسجدها اجتناب كن و بعد از اين مكان‏ها در هر كجا ميل دارى قضاى حاجت كن.

هنگامى كه اين سخن را شنيدم وى را باهوش يافته و در دلم عظمت پيدا كرد، گفتم: قربانت گردم، معصيت از كدام ناحيه است؟ وى بمن نگريست و بعد گفت: بنشين تا شما را مطلع كنم، من هم نشستم، فرمود: معصيت اگر از ناحيه خداوند باشد وى عادل‏تر است از اينكه بندگان خود را مؤاخذه كند از گناهانى كه آنان مرتكب نشده‏اند.

و اگر چنان كه از ناحيه خداوند و عبد باشد در اين صورت خداوند با وى شريك است، و خداوند قوى اولى است كه بنده ضعيف خود را ملاحظه كند، و اگر چنانچه معصيت از طرف عبد است به تنهائى پس بنا بر اين امر و نهى بر او مترتب است و ثواب و عقاب متوجه او خواهد بود و بهشت و دوزخ هم براى اين آفريده شده، هنگامى كه اين مطالب را از وى شنيدم با خود گفتم «ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».[[5]](#footnote-5)

برخی از عالمان اهل سنت از امام کاظم (ع) حدیث نقل کرده اند، از جمله:

از خطیب بغدادی چنین نقل شده: «وَ رَوَى عَنْهُ الْخَطِيبُ فِي تَارِيخِ بَغْدَادَ وَ السَّمْعَانِيُّ فِي الرِّسَالَةِ الْقَوَامِيَّةِ وَ أَبُو صَالِحٍ أَحْمَدُ الْمُؤَذِّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنُ بَطَّةَ فِي الْإِبَانَةِ وَ الثَّعْلَبِيُّ فِي الْكَشْفِ وَ الْبَيَانِ وَ كَانَ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ مَعَ انْحِرَافِهِ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ع لَمَّا رَوَى عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ هَكَذَا إِلَى‏ النَّبِيِّ ص ثُمَّ قَالَ أَحْمَدُ وَ هَذَا إِسْنَادٌ لَوْ قُرِئَ عَلَى الْمَجْنُونِ أَفَاقَ»: ثعلبى در كشف و بيان مينويسد: با اينكه احمد بن حنبل از اهل بيت پيامبر كناره مى‏گرفت هر وقت از امام هفتم عليه السّلام روايت ميكرد ميگفت: حديث كرد مرا موسى بن جعفر فرمود، حديث كرد مرا پدرم حضرت صادق همين طور تا پيامبر اكرم. احمد گفت: اين سلسله سند را اگر بر ديوانه بخوانند ديوانگى او برطرف مى‏شود.

حتی خلفای عباسی هم به مقام آن حضرت اعتراف کردند. هارن الرشید به ماموم گفت: «هَذَا إِمَامُ النَّاسِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِه‏»[[6]](#footnote-6). در نقل دیگری هارون به مامون گفت: «هَذَا الرَّجُلُ فَقَالَ يَا بُنَيَّ هَذَا وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ هَذَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع إِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ فَعِنْد هذا».[[7]](#footnote-7) و نیز مامون در باره آن امام گفت: «گویی عبادت ایشان را لاغر اندام و ضعیف کرده بود».

از ابوعلی الخلال از شیوخ حنابله نقل شده که می گوید: «ما همّني أمر فقصدت قبر موسى بن جعفر فتوسّلت به إلا سهّل اللّه تعالى لي ما أحب»: هیچ امر مشکلی برای من پیش نیامد مگر اینکه به قبر موسی بن جعفر (ع) متوسل شدم و کار برای من آسان و راحت شد.

در زیارت امام کاظم (ع) آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْأَبْرَارِ وَ إِمَامِ الْأَخْيَارِ وَ عَيْبَةِ الْأَنْوَارِ وَ وَارِثِ السَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ وَ الْحِكَمِ وَ الْآثَارِ الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهَرِ إِلَى السَّحَرِ بِمُوَاصَلَةِ الِاسْتِغْفَارِ حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ وَ الدُّمُوعِ الْغَزِيرَةِ وَ الْمُنَاجَاةِ الْكَثِيرَةِ وَ الضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ الْجَمِيلَةِ وَ مَقَرِّ النُّهَى وَ الْعَدْلِ وَ الْخَيْرِ وَ الْفَضْلِ وَ النَّدَى وَ الْبَذْلِ وَ مَأْلَفِ الْبَلْوَى وَ الصَّبْرِ وَ الْمُضْطَهَدِ بِالظُّلْمِ وَ الْمَقْبُورِ بِالْجَوْرِ وَ الْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ وَ ظُلَمِ الْمَطَامِيرِ ذِي السَّاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلَقِ الْقُيُودِ وَ الْجَنَازَةِ الْمُنَادَى عَلَيْهَا بِذُلِّ الِاسْتِخْفَاف‏».[[8]](#footnote-8)

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. تاریخ بغداد، ج13، ص 27 [↑](#footnote-ref-1)
2. مطالب السئول، [↑](#footnote-ref-2)
3. نور الابصار، ص 218 [↑](#footnote-ref-3)
4. ینابیع الموده، قندوزی حنفی [↑](#footnote-ref-4)
5. بحارالانوار، ج48، ص 106 [↑](#footnote-ref-5)
6. اعلام الهدایه، ج 9، مبحث مربوط به امام کاظم (ع) [↑](#footnote-ref-6)
7. امالی شیخ صدوق، ص 307 ؛ المناقب ابن شهر آشوب، ج4، ص 310 [↑](#footnote-ref-7)
8. زیارت امام کاظم (ع) ، بحارالانوار، ج 99، ص 17 [↑](#footnote-ref-8)